

## به حقیقت مهربان باشید نه به ظاهر

(من مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۱ ص ۱۵۸)

### قسمت روحانی

(۱) مناجات شروع (به انتخاب تلاوت کننده)

(۲) ذکر دسته جمعی (تعالی الکریم ذوالفضل العظیم)

(۳) نصوص مبارکه حضرت بهالله

(۴) نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

### قسمت اداری

(۵) از آثار حضرت ولی عزیز امرالله

(۶) محبت بدون تزویر

(۷) قسمتی از خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء : محبت بدون تظاهر

(۸) محبت قلوب باید مثل محبت اطفال خالص باشد

(۹) قسمتی از تقریرات جناب اشراق خاوری

(۱۰) نیکوکاری خالی از شائبه ریا

(۱۱) محبت دوقسم است

(۱۲) شور و پیشنهادات (چگونه محبت خالصانه را در قلوب خود بوجود آورده و آن را در شرایط گوناگون حفظ نمائیم؟)

### قسمت اجتماعی

(۱۳) برنامه نونهالان و نوجوانان

(۱۴) الفت و پذیرائی

(۱۵) مناجات خاتمه

### ۳-نصوص مبارکه حضرت بهالله

۱- محبت کارهای عجیبه و عظیمه دارد نیت خالص ، عمل خالص و ظهورات انقطاع و شؤونات آن کل از این مصدر است یعنی از محبت صادر و ظاهر و باهر و مشهود

(گلزار تعالیم بهائی ص ۲۵۸)

۲- دوستان ظاهر نظر بمصلحت خود یکدیگر را دوست داشته و دارند ولکن دوست معنوی شما را لاجل شما دوست داشته و دارد بلکه مخصوص هدایت شما بلایای لا تحصی قبول فرموده . به چنین دوست جفا مکنید و به کویش بشتابید . اینست شمس کلمه صدق و وفا که از افق اصبع مالک اسماء اشراق فرموده . افتحوا آذانکم لاصغاء کلمة الله المهیمن القیوم.

(کلمات مکنونه فارسی ۵۲)

### ۴-نصوص مبارکه حضرت عبدالبهاء

(۱) " عداوت و دشمنی بعضی نفوس را بهانه نمائید و از آنچه مکلف به آن هستید از مودت جمیع نفوس و مهربانی با جمیع خلق و صداقت با کلّ بشر و خیرخواهی عموم اهل عالم از هر ملت و مذهب و آئین رو بر نگردانید "

(گلزار تعالیم بهائی ص ۲۶۲)

(۲) ای ثابت بر پیمان با جمیع اقوام به جان و دل مهربان باشید و با کلّ احزاب در نهایت خیرخواهی، از دل و جان به کمال صدق محبت نمائید نه مدارا. همدم بیگانه و آشنا گردید و همراز هر بیچاره و آواره ، خاطری را نیازارید و کلمه ای سوء بر زبان میارید. اگر از کسی فضائل عالم انسانی و سلوک در رضای الهی مشاهده کنید تمجید کنید و الا صمت و سکوت اختیار نمائید و اینست روش اهل بها .

(پیام آسمانی ج ۲ ص ۳۰۱)

## ۵- از آثار حضرت ولی عزیر امرالله

- ۱) نمیدانید که محبت خالصانه و صداقت و خلوص نیت چه اثری در نفوس نماید ولی تحقق این امر منوط به سعی و کوشش هر فردی از افراد در هر یومی از ایام است . (مآئده آسمانی ج ۶ ص ۶)
- ۲- مسلماً محبت قوی ترین اکسیری است که می تواند شرورترین و دنی ترین اشخاص را به نفوسی آسمانی تبدیل نماید . امید آن که سرمشق و نمونه شما بیش از پیش حقیقت این تعلیم زیبای امر الهی را مورد تأیید قرار دهد . (زر و آتش ص ۱۶۲)
- ۳- باید در نهایت حکمت و ملاحظه و بردباری و روح و ریحان و محبت خالصه حقیقی با نفوس مدارا نمود و کل را از وضع و شریف بر مبادی اولیه حقیقی بهائیان اطلاع داد و آن خدمت به نوع بشر و تربیت عالم انسانی و ترقی مادی و معنوی ایران و تعزیز ایرانیان است . " (مآئده آسمانی ج ۳ ص ۵۹)
- ۴- مردم هرگز امر عزیز الهی را نخواهند پذیرفت مگر آنکه در جامعه امر درست همان چیزی را بیابند که جهان امروز فاقد و عاری از آن است یعنی محبت و یگانگی (گلزار تعالیم بهائی ص ۲۶۲)
- ۵- محبتی که ما نسبت به دیگران ابراز می داریم رفق و مدارا و تفاهم و علاقه در کمک به سایرین ، بهترین راه تبلیغ امر الهی است وقتی که آنها این آثار را در زندگی ما ببینند به شوق خواهند آمد که درباره امر نیز تفحص نمایند . (حیات بهائی ص ۲۲)

## ۶- محبت بدون تزویر

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

" از جمله تعالیم حضرت بهاءالله اینست که انسان باید در جمیع شئون و احوال سماحت داشته باشد دشمن را دوست شمرد و بدخواه را خیرخواه بداند نه آنکه دشمن را دشمن بداند و مدارا نماید و مَبْغُض را مَبْغُض بداند و حسن اخلاق بنماید . میفرماید اینگونه عمل نمودن تزویر است حقیقت ندارد بلکه شما باید دشمن را دوست ببینید و بدخواه را خیرخواه بدانید و باین دستورالعمل معامله کنید یعنی محبت و مهربانی و خیرخواهی شما حقیقی باشد نه مدارا زیرا مدارا به یک درجه تزویر است " (بهاءالله و عصر جدید ص ۹۷)

### محبت بدون تظاهر

دشمنان را دوست و بد خواهان را خیرخواه بدانید. هرگز بد نبینید و بد ندانید. زیرا اگر کسی را شریر پندارید ولی به ظاهر به او محبت ورزید، این تظاهر است و تظاهر ابداً ممدوح و پسندیده نیست بلکه حرام است. بایستی دشمنان را دوست و بدخواهان را خیر خواه بدانید و به همین نحو با آنان معامله کنید. بطوری رفتار نمائید که قلبتان بالکل از شائبه بغض و کره مقدّس و منزّه باشد. هرگز از احدی آزرده خاطر مپاشید و اگر نفسی به شما خطائی ورزید و یا جفائی روا داشت فی الحین از او درگذرید و زبان به شکایت احدی مگشائید. از توبیخ و سرزنش بالکل بیزاری جوئید و اگر خواستید شخصی را اندرز دهید و یا نصیحتی القا نمائید به نحوی باشد که ابداً مستمع رنجور و دل آزرده نگردد. افکار را حصر در تسریر خاطر نفوس کنید. مبادا مبادا خاطر احدی را بیازارید. حتی المقدور به عالم انسانی مساعدت کنید. موجب تسلّی و آرامش هر محزون گردید، هر ضعیفی را دستگیر شوید، هر فقیری را یاور گردید و هر مریضی را پرستار شوید، هر افتاده ای را بلند کنید و هر مرعوب هراسان را ملجاء و پناه گردید.

(زر و آتش ص ۱۵۶)

### ۸- محبت قلوب باید مثل محبت اطفال خالص باشد

اول صبح جمعیتی از دوستان با اطفالشان چون به ساحت فضل و احسان درآمدند بعضی از آن طفل ها فوراً دویده دست به دامن مبارک زدند. صاحبان اطفال عرض می نمودند که صبح بسیار زود این بچه ها گریه می کردند که می خواهیم نزد عبدالبهاء برویم طفل ها را در آغوش عنایت گرفته فرمودند: ببینید محبت اطفال چقدر خالص است قلوبشان چگونه پاک است از صورتهاشان نمایانست که چطور محبتشان خالص است. باید محبت قلوب این نوع باشد علی الخصوص قلوب احباء الهی چون محبت الله جلوه نماید دلها بی نهایت صاف شود مانند قلوب اطفال که هیچ غلّ و غش ندارد و احساساتشان بر قوه اراده شان غالب است. اگر کسی را دوست بدارند پیداست وقتی هم دوست ندارند فوراً دور می شوند هیچ حيله و تزویر نمی کنند.

(بدایع الآثار ج ۲ ص ۲۶۴)

جمال قدم در لوح ناصرالدین شاه خطاب به او می فرمایند: "ان الذین حولک یحبونک لانفسهم و الغلام یحبک لنفسک". می فرمایند ای ناصرالدین شاه اشخاص زیادی در دور و بر تو هستند، افراد بسیاری از درباریان و از وزراء و امراء اطراف تو را گرفته اند و همه نسبت به تو اظهار محبت و دوستی می کنند اما این دوستی آنها شخصاً و مستقیماً راجع به شخص تو نیست، اینها خودشان را دوست می دارند، می خواهند از تو منافی به طرف خودشان جلب و جذب بکنند، برای اینکه این منافع به آنها برسد نسبت به تو تعظیم می کنند، تکریم می کنند، اظهار محبت می کنند، اما همه این اظهارات محبت آنها اظهاراتی ظاهری است، حقیقتی ندارد، قلب آنها علاقه به تو ندارد، اما من که تو را از این زندان عکا مخاطب قرار می دهم و به طرف خدا دعوت می کنم با اینکه رفتار تو نسبت به من بسیار ناشایسته بوده است به امر تو در این محبس عجیب و غریب گرفتار شده ام مع ذلک من محبت واقعی به تو دارم که تو را به طرف خدا دعوت می کنم. ای پادشاه فرق محبت خالص و محبت مغشوش را بدان و به آنکه حقیقتاً دوست تو است و لله و فی الله تو را به خدا دعوت می کند از روی محبت واقعی توجه کن نه به این دوستان لسانی ظاهری، اینها دردی را برای کسی دوا نمی کنند.

(یادگار — از تقریرات جناب اشراق خاوری ص ۱۱۷)

درباره ی نیکوکاری و خوشرفتاری و ابراز مهربانی و خدمت به نوع انسانی فرمایشات بسیار می فرمودند مخصوصاً تأکید شدید، این بود که ابراز محبت و اظهار خدمت وقتی مفید و مقبول و لایق شئون ایمانی است که مقدّس و مبرّاً از شائبه ی ریا باشد والا اگر مقصود و منظوری هم در ضمن ملحوظ شود ولو آن مقصود و منظور هر قدر فی حد ذاته مقبول و مقدس باشد باز هم این نیکوکاری آلوده به ریاکاری است و فی سبیل الله محسوب نه و چندان تأثیر در عالم وجود ندارد مثل اینکه سطوع نور و حرارت شمس و ریزش باران رحمت الهی مشروط به هیچ شرطی نیست و منظوری در بین نه و انسان بهائی باید مظهر اینگونه رحمت‌های الهی باشد مانند شمس بر کل بتابد و بر هر سرزمینی فیض خود را نثار نماید می بینید که رحمت واسعه ی الهی شامل حال جمیع ممکنات است و ابدأً تبعیض نمی شناسد اهل بهاء باید مظهر اینگونه رحمت باشند نه اینکه مشروط به شرط و به منظور نظری خوبی کنند بلی این رحمت است که طبیعت را سبز و خرم می نماید من می خواهم که شما اهل بهاء به چنین موهبت عظیمی نائل شوید تا از برکت وجود شما این عالم ادنی جنت ابهی معطوف کنید و فیضان باران رحمت الهی را مشاهده نمایید که چگونه بر عاصی و مطیع یکسان نازل آن وقت می دانید که چگونه باید آیت این رحمت الهی باشید و در هنگام ریزش و عطا به هیچ قیدی و به هیچ شرطی قائل نشوید ولو اینکه آن قید هم لله باشد مثلاً ملاحظه کنید هیچ نیّتی و هیچ اقدامی بالاتر از نیّت تبلیغ و مقدّس تر از هدایت نفوس نیست معذک اگر به کسی خوبی کنید و منظور این باشد که به این وسیله او را برابرید و تبلیغ نمایید این هم ریاست. اگر به کسی خدمتی می نمایید این ریا را هم در دل راه ندهید تا خدمت و ملاطفت شما حقیقهً لله باشد البته تأثیر آن بیشتر خواهد بود شما هر قدر می توانید بی ریا خوبی کنید و منتظر نتیجه هم نباشید آن وقت است که عالم وجود از برکت همت شما آینه ملکوت ابهی گردد.

## ۱۱- محبت دوقسم است

امروز عصر در چادر بحضور مشرف شدم... فرمودند، بسم الله ... وقتی نشستم اظهار داشتند، من از احبای قزوین راضی هستم. "بازگو از نجد و از یاران نجد". بعد به لسان عظمت بیان فرمودند که جهت این است که احبای قزوین با هم به محبت و صفا و روحانیت رفتار می نمایند. و بعد فرمودند محبت دوقسم است یکی محبت کردن بیکدیگر، خدمت کردن، دوست داشتن، دست گیری کردن، رفتن، آمدن. یکی این است که از ملاقات و زیارت یکدیگر ملتذ و مهتز می شوند یعنی اگر انسان حزنی داشته باشد محض زیارت احبای حزنش مرتفع شود و غم و اندوهی و یا هرچه داشته باشد بعد از ملاقات رفع شود و از زیارت احباب تازه و زنده و مسرور شود. (طراز الهی ج ۱ ص ۲۱۸)